

## نابرابری جنسیتی در آثار سید محمد علی جمال زاده

محمد سالم

دانشجو دوره دکتری

دانشگاه جوهر لال نهرو

[msalimansari786@gmail.com](mailto:msalimansari786@gmail.com)

نویسنده شهیر ایران سید محمد علی جمال زاده ۱۳۰۹ ش/ ۱۳ جنوری ۱۸۹۲ در یک خانواده متوسط و مذهبی در اصفهان چشم به جهان گشود. سید محمد علی جمال زاده داستان نویس پیش گام معاصر ایران و پدر داستان کوتاه زبان فارسی و آغازگر سبک واقع گرایی در ادبیات فارسی، نویسنده‌گی را با روزنامه نگاری آغاز کرد و تا پایان عمر تقریباً دو بیست مقاله در نشریات به چاپ رسانید. نخستین داستان جمالزاده 'فارسی شکر است' اولاً در روزنامه 'کاوه' انتشار یافت و بعداً در مجموعه 'یکی بود و یکی نبود' انتشار یافت. این داستان عموماً بعنوان نخستین داستان طنز انتقادی که به شیوه غربی است به شمار می آید.

فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر

### سخن نو آره که نورا حلاوتیست دگر<sup>2</sup>

نابرابری جنسیتی یا عدم مساوات که یکی از مسائل مهمی در قرن بیستم میلادی در ایران و نیز در کل جهان تعریف شده است. نویسندگان و سخنوران و روشن فکران این موضوع جدیدی را اخذ کردند و همه آن مسائل را در آثارش نشان داده اند و نیز برای حل این مسائل خیالات و افکار خودشان را در آثارشان توضیح داده اند.

قرن بیستم میلادی که با ظهور نویسندگان و روشن فکران و همچنین رواج مطبوعات در میان قشرهای مختلف جامعه همراه بود. نویسندگان، سخنوران و روشن فکران بحث های اجتماعی و سیاسی را به خود اختصاص دادند و برای توسعه و پیشرفت ادبیات انتقادی کمک بسیاری کردند. در میان این عصر نالیست که به عنوان عصر انتقادی به شمار می آید که بیش از هر کشوری در فرانسه نمایان شده بود و به بعد در ایران ورود به مکتبی ادبی شد که منعکس کننده شرایط اجتماعی آن

دوران بود.

<sup>2</sup> فرخی سیستانی

ایران در دوره قاجار اگرچه یکی از پرتنش ترین دوره های تاریخ ایران بود اما تأثیری ژرف در ادبیات فارسی از خود به جای گذاشته است. همراه با گسترش انقلاب مشروطه همچنین شکست ایران از روسیه که با بی عدالتی، فقر، ناامنی، فساد، کمبودها و مشکلات اجتماعی همراه بود، فضایی آشفته علیه حکومت را پدید آورد و بعد از این انقلاب اسلامی هم بود که این تحولات که با بروز مشکلات بسیاری در آن دوره همراه بود، سبب پیدایش اندیشه های آزادی خواهانه در میان مردم شد. از این پس، نویسندگان و روشنفکران ایرانی بر آن شدند تا برای بیداری و آگاهی مردم از شرایط موجود، سبک نویی را ابداع و آشنا بکنند و با ساده نویسی و پرهیز از نثرهای مسجع و پیچیده، تمام اقشار مختلف را به سوی آشتی با ادبیات رهنمون سازند و تأثیر بسزایی در فرهنگ و هنر این کشور بر جا گذاشتند و ایرانیان را با امید رهایی از ظلم و جور و آزادی از نابسامانی سیاسی و اجتماعی به

تصویر کشیدند.

در همین دوره یکی از برجسته ترین و مشهور ترین شخصیت های فرهنگی و ادبی ایران که به دلیل عمر طولانی اش و حضور در بحرانی ترین دوره های تاریخی، خود می تواند شاهدی گواه بر سیر تحولات و مشکلات اجتماعی این کشور محسوب شود، سید محمد علی جمالزاده می باشد که برای احیای ادبیات فارسی و مخصوصاً در نثر داستان کوتاه کوشش های فراوانی صرف کرده است. او یکی از نویسندگان و مترجمان بزرگ معاصر ایران محسوب می شود که در تاریخ ادبی ایران همواره به عنوان پدر داستان کوتاه زبان فارسی و آغازگر سبک و اقع گرایی در ادبیات فارسی دانسته می شود. یکی از عواملی که سبب شد تا سبک نگارش جمال زاده در ادبیات فارسی ایران به عنوان شیوه های نوین مطرح شود، توجه به ساده نویسی و بیان حقایق از زمانه اش بود در حالی که در کشور ایران تا آن زمان نوشته های پیچیده و انشاهای غامض و عبارات مشکل و نثر مسجع در میان فضل و دانش رائج بود. بنابراین جمال زاده بر آن شد تا از اصطلاحات و تعابیر عامیانه استفاده کند و داستان را برای عوام قابل درک و

آسان بسازد.

درواقع پس از تحولات سیاسی و نابسامانی های اجتماعی دوران انقلاب مشروطه که در احساس انسان ها به صورت جریان ادبی نویی، تجلی بخش سیر اندیشه ها و تخیلات نویسندگان آن عصر نفوذ کرده بود. نویسندگان که در آن زمان برای فرار از رنج های زمانه و نابسامانی های جامعه پناه برده بودند، تنها جنبه های درونی و فردی وقایع آن روزگار را به این طور تصویر کشیده اند که تفاوت، عدم مساوات و نابرابری جنسیتی آن روزگار که در جامعه ایران دیده می شود در آثارهای خود بیان نموده اند که یکی از آنها جمال زاده است که او همه این خرابی های جامعه را در آثار خود به اندازه خوبی نشان داده است و مشکلات و مسائل زندگی را خارج از دنیای اوهام و تخیلات، توضیح داده است. در طی این مقاله همچنین حضور کم رنگ زنان و محدودیت هایشان در جوامع سنتی و نابرابری جنسیتی نشان داده شده است.

معنی جنسیت (Gender): افراد زن و مرد.<sup>3</sup>

مفهوم جنسیت (Gender): جنسیت یک مفهوم اجتماعی است که معانی مختلفی دارد. معنی اغلب آن (Categorization) رده بندی مرد و زن است که به خصوصیات گوناگون از هر دو متخصص می شوند.

معرفی نابرابری جنسیتی (Gender Inequality): انسان از جهات گوناگون منجمله: جنس، سن، نژاد، مذهب و استعداد ها از یک دیگر متفاوت اند و نیز در عرصه های سیاست، اجتماع، اقتصاد و فرهنگ به شمار می رود. اما این نابرابری ها که در ارتباط با اختلاف جنسی است ولی عملاً زنان و مردان در حوزه های مختلف زندگی اجتماع از جمله فرصت های شغلی و مانند آن در

عوامل بسیاری همراه اند.

نابرابری جنسیتی به موقعیت های نابرابری بین افراد اشاره دارد که می تواند سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی باشد. نابرابری جنسیتی بنیان های متعددی می تواند داشته باشد. عمده ای از محققان معتقد اند که بنیان های اصلی نابرابری، تفاوت های فردی در توانایی های ذاتی و انگیزه و تمایل به سخت کوشی است. دیدگاه دیگر معتقد است که "نابرابری در اصل مبتنی بر تفاوت های است که جامعه در رفتار و برخورد افراد بین آنها قائل می شود. علت این فرق گذاری مشخصه هایی هم چون طبقه ی اجتماعی، اقتصادی، نژاد، قومیت و جنس است."<sup>4</sup> بنا بر این نابرابری اجتماعی تصدی موقعیت های نابرابری اجتماعی و ساختاری، دسترسی به منابع و مزایای اجتماعی کم یاب از قبیل ثروت، قدرت و منزلت از سوی افراد گروه ها که به نوبه ی خود بر حقوق، فرصت ها، پاداش ها و امتیازات آن ها اثر تعیین کننده

دارد.

آبوت درباره نابرابری زن و مرد در کتابش 'جامعه شناسی زنان' می نویسد:

نابرابری جنسیتی مقوله ای است که از آغاز سپیده دم تاریخ تا اکنون همراه بشریت وجود داشته و هر زمان و فرهنگ های مختلف به گونه ای مطابق با آن شرایط و فرهنگ جلوه نموده است. و برابری و نابرابری جنسیتی از یک جامعه به جامعه

دیگر و از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت است.<sup>5</sup>

<sup>3</sup> فرهنگ فارسی معین

<sup>4</sup> کمالی، علی، مقدمه بر جامعه شناسی نابرابری های اجتماعی، تهران، ص: ۶

<sup>5</sup> آبوت، یاملا، والاس کلا، جامعه شناسی زنان، ترجمه: منیژه نجم عراقی، ص: ۱۲

زن و مرد دو انسان اند و در انسانیت متساوی یعنی در آنچه که به انسانیت، انسان مربوط می شود برابر همانند یکدیگر اند ولی در عین حال مرد، انسان مذکر است و زن، انسان مؤنث. در خود طبیعت میان مرد و زن تفاوت‌های بسیاری است. زن چیزهای از احساسات، عواطف، طرز تفکر، طرز برداشت، توانایی‌ها و استعداد های بدنی دارد که مرد ندارد و علاوه از این مرد دیگر خصوصیتی دارد که زن ندارد. در عین حال که هر دو در انسانیت با یک دیگر متشابه و متساوی هستند این جهت را هم نباید فراموش کنیم که در متن خلقت و فطرت مدار زن و مدار مرد تفاوت های دارند.

زن و مرد از نظر حقوق متساوی اند ولی متشابه نیستند. تساوی توجه به کمیت است. ارزش کمی حقوق زن و مرد بر ابریا یک دیگر است بلکه بعضی ارزش کمی حقوق زن بیشتر از مرد است، اما از نظر کیفی این طور نیست و وظائف و حقوق این دو از نظر کیفیت از یک جنبه هاپی متفاوت است. یکی از افتخارات حقوق اسلامی این است که حقوق زن و مرد را متساوی می دارند ولی متشابه نمی دارند. اسلام اصل مساوات انسان ها را درباره مرد و زن نیز رعایت کرده است. اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست بلکه با تشابه آن مخالف است.

یکی از تفاوت های قراردادی و اجتماعی زن و مرد حجاب است و معنی اصطلاحی و عرفی آن این است که اسلام حضور اجتماعی زن را نسبت به مردان با پوشش بیشتری مقید کرده است. نکته ظریفی این که حجاب هرگز به معنی حصر و محدودیت زن نیست.

نا برابری جنسیتی از نظر قرآن و اسلام، جنسیت یعنی مرد و زن اگر چه از لحاظ خلقت متحیل به خصوصیات جداگانه اند ولی از روی هویت انسانی و بهره‌های روحی و ایمانی برابر اند و نیز در حقوق اجتماعی و انسانی متساوی اند.

با وجود این که خداوند در قرآن به جز چند استثناء زنان را مورد خطاب خود قرار داده است که در آیات احکامات اجتماعی و خانوادگی، جایی که مردان مخاطب مستقیم آیات خداوندی اند همواره از آنان زنان را هم با صیغه غائب یاد کرده است، به همین سبب زنان مکلف احکام دینی هستند و در سایر احکام دینی مانند مردان زنان هم مکلف احکام هستند.

سید محمد علی جمال زاده نخستین نویسنده ایرانی است که برای نوشتن داستان به شیوه اروپایی در طرز جدیدی مهارت تامه دارد. اولین مجموعه او 'یکی بود و یکی نبود' در آغاز ادبیات و آقع گرایی ایران دانسته می شود. مهم ترین مضامینی که در داستان های جمال زاده مطرح شده اند، عبارت اند از: مضامین اجتماعی و سیاسی که یکی از آن موضوع ها مسئله زن است. زیرا که جمال زاده در زمان کودکی خود فرهنگ ایران از نزدیک دیده بود و به همین سبب از ایران خارج شده بود و

بیشتر از زندگانی خود خارج از ایران گذرانند. دوری جمال زاده از ایران بر دیدگاه او دربارهٔ بسیاری از مسائل اجتماعی تأثیر گذاشت که یکی از آن مسئله زن است. معمولاً زنان در آثارش از دوره قاجارانند و عموماً بی‌سواد اند. او بسیاری از وقایع و تحولات فرهنگی جامعه ایران را هم در آثار خودش مورد نقد خود بررسی قرار داده

است.

در عصر بیداری و آستانه مشروطیت یکی از ارمغان‌های آشنایی با فرهنگ و تمدن اروپایی، طرح مسئله زنان به طرز نوین بود که بنابراین حضور زنان در عرصه زندگی و در میدان ادبی به شیوه جدیدی مطرح شدند و موضوع آثار ادبی مردان هم قرار گیرند. یکی از موضوع‌های مهمی که در نخستین رمان‌های اجتماعی بعد از مشروطه مطرح شده بود مسئله زنان و شخصیت‌های متعددی آنان بود که هر کدام موضوعی از موضوع‌های عصر خود را نشان دادند. و نویسندگان می‌توانستند با استفاده از این قهرمان‌ها دیدگاه خاص خود را نشان

بدهند.

در ادبیات داستانی جدید، زنان موضوع داستان‌های متعدد قرار گرفته‌اند، چه بعنوان قهرمان و ضد قهرمان و چه بعنوان موضوع‌ها که مرتبط به دنیای زنان هستند در داستان‌های جدید انعکاس یافته‌اند که از آن مسائل حقوق زنان و رفع حجاب و آزادی‌های جنسی و برابری آنان به مناسبت فرهنگی غرب، در ادبیات داستانی مورد بررسی قرار گرفته است و نیز حضور زنان و فعالیت‌های آنان در ادبیات داستانی ایران مؤکداً ذکر شده است. آثار کسانی که در آن زمان که موضوع‌های زنان و مسائل اجتماعی را در ادبیات داستانی خود مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند عبارت‌اند از: جمال زاده، صادق هدایت، جلال آل احمد، بزرگ علوی،

صادق چوبک و سمین دانش‌ور و غیره.

حقوق زنان و ضرورت اصطلاحات اجتماعی و افلاس نظام‌های حکومتی از زمان‌های پیش مضمون اصلی و محور توجه شعر نقادانه و رمان‌های تاریخی بود. جمال زاده این نشانه‌ها را چون که حقوق زنان و ضرورت اصلاح اجتماعی و نیز بد عنوانی نظام حکومت را شعرا و نویسندگان در شعر نقادانه و رمان‌ها و داستان‌های خود نشان از زمان‌های پیش مورد توجه قرار دادند و مضمون اصلی آثار خود قرار داده بودند. جمال زاده نیز این مضامین را در ادبیات معاصر ایران در آثار خود چون داستان‌های کوتاه، داستان بلند و در دیگر آثار خود بیماری‌های

اجتماعی و فروماندگی فرهنگی را مورد بررسی قرار داده است.

انقلاب اسلامی ایران که در زمین‌های مختلف ایران بسیار تحولات را انجام داده است که یکی از آن‌ها این است که در این دوره به جانب حقوق و مقام زنان متوجه شدند و در میان آنان مقام و مرتبت عظیمی دادند. از این رو در ایران کنونی زنان در اجتماع به هر لحاظ به نظر عزت و احترام

دیده می‌شوند و نیز برای حل مسائل علمی و فرهنگی و اجتماعی با مردمان کارهای خودشان را انجام می‌دهند.

بعد از موفقیت انقلاب اسلامی که زنان قبل از آن در اجتماع ایران هیچ اهمیتی ندارند در این دوره اهمیت خاصی داده شدند که در تاریخ ایران اولین بار در این دوره با مردم عامه آنان هم مشارکت کار اجتماعی و سیاسی شدند و نیز در علوم عصری و دینی با مردم مشارک شدند تا آنکه در ادبیات هم سهم خاصی خود را ایفا نموده‌اند.

### عقاید و نظریات جمال زاده دربارهٔ عدم مساوات:

جمال زاده که برای داستان نویسی در سراسر زمینه ادبیات فارسی خیلی مشهور و معروف است. و نیز در این زمینه گسترش دادن مضامین جدیدی که از غرب ماخوذ اند جالب توجه هم عصران است. یکی از آنها مسائل زنان است که وی مسائل زنان را از هر جهات در آثارش مورد بررسی قرار داده است و نیز این مضمون را هم به اندازه خوبی بیان نموده است. و معاصرین جمال زاده در این مضمون پیروی او کردند و کوشش‌های بسیاری در این زمینه صرف کردند ولی به منزله او نرسیده‌اند.

بهر حال، این نکته را باید در نظر گرفت که جمال زاده اگرچه پایه گزار داستان نویسی به شیوه نوین در ایران است، اما هنوز متأثر از متون گذشته است. او زن و مسائل آنان را مضمون داستان‌های خود مورد نقد قرار می‌دهد. در بیشتر داستان‌های جمال زاده رد پای از زنان حقیر شده و مورد ستم قرار گرفته دیده می‌شود. او

در چند مورد از زنان تأثیرگذار کرده است.

در مورد برابری حقوق زن و مرد باید گفت که اسلام برای زن همپای مرد، حقوقی قائل است که این حقوق را عین هم نمی‌داند. به عبارتی دیگر برابری و تساوی حقوق زن و مرد را می‌پذیرد و تصدیق می‌کند. نه همانندی و یکسانی آنها را، چون معتقد است که هر یک با ویژگیهای فطرت و سرنوشت خویش آفریده شده‌اند و بنابراین هر کدام باید که انجام وظیفه خاصی را که به عهده او و متناسب با

ساحت وجودی اوست پردازد.

جمال زاده بر لزوم احترام به زن بسیار تأکید می‌ورزد. چنانچه می‌گوید:

قبل از هر چیز باید زن را محترم شمرد و تمام شرایط احترام را در حق او رعایت

نمود.<sup>6</sup>

جمال زاده دربارهٔ تعلیم زنان خیلی متفکر بود و از سن شعور خود بی سواد و نابسامانی های زنان ایرانی را احساس کرده بود و همین سبب شد که او در آثار خود با ذکر حالات و کوائف آن زمان بی سواد و ستم کشیدگی زنان ایرانی را باین طور بیان کرده است که از آن ظاهر می شود که تحصیل تعلیم در آن روزگار برای جنس زنان فعل قبیحه بود و مردم اجازه نمی دهند که زنان تحصیلات خود را ادامه بدهند. جمال زاده همین اوضاع فرهنگی و اجتماعی ایران را در آثارش گاهی گاهی به اندازه کوبی نشان داده است که یکی از آن ها این است که او در یک مصاحبه ای بیان نموده است که از آن نابرابری جنسیت و عدم مساوات بین مرد و

زن ظاهر و آشکار می شود.

.....راجع به زنان حرف های دارم..... می خواهم ببینم آیا این انصاف است که در ایران ما، سی میلیون مرد با سی میلیون زن بدرفتاری می کنند، زن را از تعلیم و

تربیت محروم بداریم؟<sup>7</sup>

از این طور معلوم می شود که در زمان پیش یعنی قبل از بیداری ایران حالات فرهنگی ایران خیلی بد بود و زنان در خانه ها محصور بودند و به همین سبب زنان ایرانی در آن زمان از احوال اجتماعی ایران ناواقف بودند و از اوضاع اجتماعی و سیاسی هیچ سروکاری نمی دارند. همین سبب بود که جمال زاده با زن فرنگی (خارجی) ازدواج کرده بود، زن او بسیار باسواد بودند که با زبان ادبیات هماهنگی دارند. زن دوم او زبان آلمانی، زبان فرانسه، زبان انگلیسی و زبان فارسی خوب

می داند.

جمال زاده دربارهٔ تعلیم زنان بسیار متفکر بود و برای تعلیم آنان بهر صورت کوشان بود که نظریات خود از آیه قرآنی به این طور با تاکید ذکر کرده است:

ما باید این حدیث را بطور جدی دنبال کنیم که (طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ) یعنی دخترها فریضه دارند که علم یاد بگیرند، ولی ما دخترها را

در سن یازده سالگی شوهر می دهیم.<sup>8</sup>

جمال زاده، تصویر زن در فرهنگ ایران، ص: ۱۳۰<sup>6</sup>

۹: مجله کهان، مصاحبه، جمال زاده، سال ۱۳۷۲ ص<sup>7</sup>

منقول از: دستغیب، عبد العلی، نقد آثار محمد علی جمال زاده، تهران، ص: ۱۸۲<sup>8</sup>

جمال زاده به جای دیگر در کتاب خود 'تصویرزن در فرهنگ ایران' احوال و اوضاع زنان آن زمان مورد بررسی قرار داده است که در آن زمان نسبت به زنان هیچ توجهی مردم نبود و زنان در جهالت و گمراهی زندگی بسر می کنند و نیز مردم بر آن ظلم و ستم می کنند و رفتار بدی انجام می دهند می نویسد:

من با زن قهر نبوده ام و قهر نیستم و زن را دوست دارم و امید وارم تا پایان عمر؛ یعنی مادامی که نیروی زندگی و عقل و فهم و ادراک و حس و مشاعرم در کار باشد، دوست بدارم و مخصوصاً محترم بشمارم و نیز از ظلم و ستمی که از طرف طبیعت و مخلوق نسبت به زن رفته است، متأسف و متأثر باشم و از جان و دل دعا می کنم که روز به روز از این بیداد گری و بی انصافی و اعتاف بکاهد و سرانجام روزی به رسد که در روی کره ارض، این آزادی و برابری زنان با مردان که آن همه از آن سخن می رود و هر روز آدمیان بدان نزدیکتر می شوند، تا جایی که

امکان پذیر است، از قوه به فعل آید.<sup>9</sup>

جمال زاده از این عبارت عقاید خویش را ظاهر می کند که عقاید من درباره زنان ظلم و ستم رساندن نیست بلکه این است که مردم را باید که زن را دوست بدارند و نسبت به آنان حسن اخلاق و رحم دلی را پیش بکنند و این بیدادگری و بی انصافی را دور بکنند تا احوال زنان در جامعه ما درست و خوشگوار بشود و زنان هم برابرو مساوی مردان دیده می شوند.

همین طور جمال زاده در آغاز این کتاب (تصویرزن در فرهنگ ایران) قوی از ویکتو هوگو درباره لزوم احترام زن ذکر کرده است. ویکتو هوگو، شاعر فرانسوی درباره زن می گوید:

هر جا که زن محترم باشد، خدایان در آنجا خوشدل اند و هر جا زن را خوار دارند، دعا و راز و نیاز با خداوند در آنجا هدر می حاصل است.<sup>10</sup>

بیله دیگ و بیله چغندر: این داستان از مجموعه 'یکی بود و یکی نبود' است که در این داستان حکایاتی از رفتار و عادات های ایرانیان خصوصاً خرابی های اجتماع که در دوره مشروطیت و بعد از آن شروع شده بود و نیز یک دوره جدیدی آغاز شده بود و همه مردم ایران تا آن که زنان هم به این طریق کوشیده بودند که از همین جهات اجتماع، آزاد بشوند و آنها در این زمینه یک کمی موفقیت به دست آوردند که یکی از آن آزادی زنان بود که قبل از آن زنان در خانه های خود مقید و

<sup>9</sup> تصویرزن در فرهنگ ایران، جمال زاده، ص: ۱۲۹

<sup>10</sup> تصویرزن در فرهنگ ایران، جمال زاده، ص: ۲



محسور بودند و در تهایی و قید زندگی می گذراندند.

همین نابرابری جنسیت را جمال زاده در داستان خود 'بیله دیگ و بیله چغندر' به طور خوبی نشان داده است که مردم در آن دوره زنان را چطور مقید و محسور کرده بودند که در اجتماع ایران موجودیت آنان کمتری مفقود بود. او درباره آزادی

زنان از این قید و نیز در مورد احقاق حق آنان معرفی می کند.

یک چیزی غربی که در این مملکت است این است که گویا اصلاً زن در آن وجود ندارد. تو کوچه ها دخترهای کوچک چهارپنج ساله دیده می شوند ولی زن هیچ در میان نیست. در این خصوص هر چه فکر می کنم عظم به جایی نمیرسد. من شنیده بودم که در دنیا 'شهر زنان' وجود دارد که در آن هیچ مرد نیست ولی 'شهر مردان' به عموم نشنیده بودم. در فرنگستان می گویند ایرانیها هر کدام یک حرم خانه دارند که پراز زن زست، الحق که هم وطنانم خیلی از دنیا بی خبرند. در ایران که اصلاً زن پیدا نمی شود، چطور هر نفر می تواند یک خانه پراز زن داشته

باشد؟<sup>11</sup>

از این عبارت وضع و ارتباط زنان آن زمان ظاهری شود و نیز آشکاری شود

که زنان چه قدر محبوس در خانه ها خودشان بودند.

جمال زاده در همین داستان (بیله دیگ و بیله چغندر) جای دیگر برای آزادی و کشف حجاب زنان و وضع اجتماع ایران را به این جهت توصیف کرده است که از

آن عدم تساوی و تفاوت بین مرد و زن دیده می شود، چنانچه می گوید:

یک قسمت عمده مردم که تقریباً نصف اهل مملکت هستند، خودشان را سر تا پای توی کیسه سیاهی می بندند و حتی برای نفس کشیدن هم روزه ای نمی گذارند و همین طور در همان کیسه سیاه تو کوچه رفت و آمد می کنند. این اشخاص هیچ وقت نباید صدایشان را کسی بشنود و هیچ حق ندارند در قهوه خانه یا جای داخل شوند. در مجلس های عمومی هم از قبیل روضه و عزا جای مخصوص دارند. این اشخاص تا وقتی تک تک هستند، هیچ صدا و ندایی از آنان بلند نمی شود، ولی همین که باهم

جمع می شوند، غلغله غربی راه می افتد.<sup>12</sup>

جمال زاده در این جزو داستان خود به این طور عدم تساوی را بیان کند که مرد برای رفت و آمد هر جا آزاد هستند ولی زنان مقید با چند شرائط هستند که زنان سراسر زیر حجاب باشند و

<sup>11</sup> بیله دیگ و بیله چغندر، یکی بود و یکی نبود، جمال زاده، ص: ۵۴

<sup>12</sup> بیله دیگ و بیله چغندر، یکی بود و یکی نبود، جمال زاده، ص: ۵۴-۵۵

اجازه ندارند که به جای لهو و لعب بروند و تا آنکه اگر در مجالس عمومی دینی یعنی عزاداری و غیره بروند آن وقت جای مخصوص برای آنان مختص کرده بودند.

اگرچه پوشیدن حجاب در آن دوره، نه حجابی است که مد نظر اسلام، و نه آن که روزگار باستان رواج داشت. بلکه حجابی است که در اواخر قرن ها تعصب، جهالت و افراط اجتماع بر زنان تحمیل کرده بودند.

مشکل اصلی زنان در فرهنگ گذشته ایران حجاب بوده است که بسیاری از روش فکران آن زمان، رفع آن را حق زنان ایرانی و جهان و آزادی او دانسته اند. جمال زاده درباره کشف حجاب چنین نظری دهد:

خدا را شکر که ورق برگشته و روزهای فرخنده هفده دی ماه 1314 ش و رفع حجاب و روزهای خجسته ششم بهمن 1314 و 16 اسفند همان سال در تاریخ احقاق حق زنان ایرانی، تاریخهای خجسته ای هستند که همیشه در خاطر ایرانیان باقی و مبارک خواهد بود.<sup>13</sup>

راه آب نامه: یکی از معروف ترین داستان های جمال زاده است که در این داستان ظلم و ستم، نابرابری و عدم مساوات ذکر شده است. این داستان مشتمل بر یک اجتماع است. ولی قهرمان اصلی این داستان روح الله شخصی است که در خارج از ایران تعلیم حاصل می کند. یک بار برای شرکت در عروسی خواهرش تهران (ایران) باز می آید و پس از انجام مراسم عروسی، با مشکل راه آب روبرو می شود که به جوارخانه او جاری بود و به سببی مسدود شده بود که بعد از مشاورت مردمان به این نتیجه رسیدند که یکی از آن این را مرمت بکند و پولی که برای تعمیر این صرف می شود بعداً همه مساویاً تقسیم بکنند. ولی بعد از تکمیل تعمیر همه کس از آن ها از دادن سهم خود انکار کردند و روح الله که همه اموال خود را صرف کرده بود برای ادامه دادن تعلیم در انگلستان قادر نشد و سلسله تعلیم را منقطع کرد و علاوه از این چونکه آب آن راه آب در خانه او داخل می شود به نتیجه آن یک اتاق خانه او زمین بوس شد و روح الله خیلی پریشان شد ولی هیچ کس به او توجه ندادند.

در این داستان نویسنده نابرابری جنسیتی را به این طور زیر نظر می گزارد که سبب افکار انکار آنان به این وجه بود که روح الله از یک خانواده متوسط بود و در ایران آن زمان افراد جامعه که بعد از قول، منکر شدند و با او رفتار بد کردند. به نتیجه آن روح الله در مصائب و آلام گرفتاری می شود.

تصویر زن ص: ۲<sup>13</sup>

تلخ و شیرین: جمال زاده که برای توضیح دادن احوال و اوجاع اجتماع در داستان های خود دسترس کامل داشت و نیز شخصیت های داستان را به طور کلی توصیف داده است، او اوضاع و احوال ایرانیان را در داستان صراحتاً به این طور

بیان نموده است که درین خواننده وضعیت آن زمان منعکس می شود.

همین طور جمال زاده در یک داستان خود (تلخ و شیرین) رسم و رواج ایران را به این طور بیان کرده است که در آن زمان یک روایت در اجتماع ایران رایج بود که وقتی در یک خانواده دختری پسر تولد یافت در زمان کودکی رشته ازدواج آنان را با یک دیگر متخصص می کنند و این رشته حتی لازم می شود و در میان آن هیچ وقت شکاف نمی افتد.

در این دو خانواده که با هم رفت و آمد هر روز و هر ساعت داشتند از همان روزی که آمنه به دنیا آمده بود او را با پسر عمویش مرتضی نامزد خوانده بودند و مسئله عروسی آنها در آینده از قضایای مسلی بود که به اصطلاح مولای درزش نمی رفت.<sup>14</sup>

از این عبارت بالا عدم مساوات و نابرابری جنسیتی به این طور واضح می شود که رشته ازدواجیت که یک مسئله مهمی و از نازک ترین مسائل زندگی انسان است و هر کس و ناکس می خواهد که زندگی خود را با رفیق حیات خود با کوشی و مسرت بسر بکند تا که همه لذت های دنیا را درک بکند. ولی ایرانی ها در این ضمن بر هر دو جنس یعنی مرد و زن ظلم و ستم می کنند که در زمان کودکی رشته ازدواجیت آنها را مسدود می کنند و حتی که لازم قرار می دهند.

رشته ازدواجیتیک امر مهمی است که در این هر دو جنس (مرد و زن) باید که برای مختص ساختن رفیق کود آزاد و خود مختار می باشند که بعد از آشنایی رشته خود را محکم بسازند تا در آن استقامت هم پیدا بشود. نه این طور که بدون رضامندی و آشنایی یک دیگر را در رشته ازدواجیت مسدود بکنیم، از این رو در میان آنها لازم نیست که محبت و الفت پیدا بشود و باهم با آسودگی زندگی مانده را به تکمیل برسانند.

دارالمجانین: نویسنده در این کتاب انتقاداتی در باب مشکلات اجتماعی و اختلافات طبقاتی و هم چنین بی تفاوتی و نابرابری جنسیتی سرمایه داران نسبت به مشکلات و اوضاع اقتصاد و وضعیت اجتماع را توصیف می دهد و نیز منعکس کننده بیماری های جامعه می باشد که انسان های بی گناه از طبقات متوسط و پائین جامعه که بی بهره از سرمایه مالی هستند در جامعه جایگاهی نداشته اند و نابرابری و بی عدالتی در حق آنها هستند، به این طرز بیان می کند:

(هدایت علی)..... من هنوز به این دنیا که در آن هستم انس نگرفته ام و حس می کنم دنیا برای من نیست، بلکه برای یک دسته آدم های بی حیا، پررو، گدامنس، معلومات فروش و چشم دل

<sup>14</sup> تلخ و شیرین ص: ۵۵

گرسنه است..... زندگی من همه اش یک فصل و حالت داشته و مثل این است که در یک منطقه سرد سیر و در تاریکی جاودانی گذشته

است.<sup>15</sup>

این کتاب که از لحاظ بررسی جامعه شناسی عمده ترین و مقبول ترین است که اوضاع نابسامانی مردم و نیز انعکاس معضلات سرمایه داری را در این عبارت به این طور مورد بررسی قرار داده است که هدایت علی یکی از شخصیت های این داستان است و از طبقه متوسط و پائین متعلق است او خود اوضاع اجتماع ایران را بیان می کند که من در این دنیا هیچ گاه انس و محبت از دیگران نگرفته ام که شاید دنیا برای من یعنی غربا و مساکین نیست بلکه برای چند افراد پول پرست جامعه است.

از این عبارت جمال زاده بطور طنز بر جامعه ایران نابرابری جنسیتی را منعکس می کند که در آن جامعه مردم با یک دیگر چطور منقسم شده اند که امراء و رؤساء با غرباء و ساکین چطور بد رفتاری می کنند و آنها را در جامعه هیچ مقام و مرتبت نمی دهند. هدایت علی از میان آن جامعه هم است که از این تفاوت و نابرابری جنسیتی دچار است. نویسنده حالات و کوائف آن زمان را بوسیله هدایت علی و دیگران توضیح داده است که بطور کلی وضعیت آن جامعه بر ما آشکار می شود.

هم چنین به جای دیگر نویسنده برای نشان دادن نابرابری بین سرمایه داران و ضعفای جامعه و نیز بی تفاوتی قشر مرفه و سود جوی جامعه، این تمام وضعیت و عقاید جامعه را از زبان حاج عمو حسین و پول پرست محمود را در این داستان در تحریر آورده است، چنانچه می نویسد:

.....انسان هر کاری که می کند برای کیفی است که از آن کار می برد. شعراء و عرفاء هم در باب حقیر شمردن دنیا و مدح و ستایش، سخاوت و استغناء طبع سخنان بلند گفته اند. هر وقت کتابی از آنان به دستم می افتد و حرف هایشان را می شنوم به یاد طفلی می افتم که در بچگی همبازی ما بود و چون هر کدام توپی برای بازی داشتیم و او نداشت و مادر بیوه فقیرش پولی نداشت تا برایش توپی بخرد، وقتی ما بچه ها با توپ های خودمان مشغول بازی می شدیم و کسی به او اعتنا نمی کرد، او هم برای خود در عالم خیال توپی درست کرده و با دست خیالی مثل دیگران مشغول بازی می شد و به اندازه ما بلکه بیشتر تفریح می کرد.<sup>16</sup>

در همین داستان جمال زاده به جای دیگر نابرابری و عدم مساوات و تلف حق را به این طور ذکر نموده است که پدر محمود قبل از وفات خود با برادرش (حاج عمو) قول داده بود که محمود را با دختر خود در رشته ازدواجیت مسدود بسازد و به عوض این قول و قرار همه سرمایه خود را به

دارالمجانین، جمال زاده، ص: ۱۲۴<sup>15</sup>

دارالمجانین، جمال زاده: ص: ۲۳<sup>16</sup>

برادرش (حاج عمو) داده بود و پسر خود را در تحویل و نگرانی او داده بود. چونکه حاج عمویک مرد شکاف و پول پرست و به حرص پول عهد و پیمان برادرش را فراموش کرد و دخترش را به همسری جوانی نالائق داد و محمود را از هر دو پول و دختر محروم ساخت. می نویسد:

برادرم! در مدت حیاتم تقدیر نخواست که ما دو برادر با هم معاشر و محشور باشیم و چون اخلاق مان هم درست جور در نمی آید لا بد صلاح هم در همان بود. در این ساعت که چشم می بندم و فرزند محمود را که تنها چیزی است که در این عالم برایم مانده به تو می سپارم و چون جوان نجیب و با عاطفه ای است امیدوارم باهم بسازید و با همین آرزو از این دنیا میروم ..... و معروف بود از آن پولهای که صدایش را خروس هم نشنیده است بسیار دارد از آن کسانی بود که مال خودشان را بخودشان هم حرام می دانند.<sup>17</sup>

از این پارچه عبارت نابرابری جنسیتی به این طور منعکس می شود که پدر دختر یعنی حاج عمو به سبب حرص مال و متاع حق دخترش را سلب کرد یعنی برای او همسر مناسب و لائق انتخاب نکرد بلکه به همسر جوانی نالائق داد.

و دیگر این که محمود را برای همسر دخترش اخذ کرده بود و با برادرش قول و قرار کرده بود ولی آن عهد و قرار را فراموش کرد و حق محمود را نیز سلب کرد و نیز او را از خانه دور کرد که به این نتیجه محمود پریشان و سرگردان شد و بالاخر منزل خود را در دارالمجانین اخذ کرد.

جمال زاده در این داستان بررسی رسوم و آداب زندگی مردم ایران را پردازد و مسائلی اجتماعی آن دوره را از دریچه جدید، با تمام خصوصیات، ویژگیها و نقائص از جمله معضلات و فقر فرهنگی، مشکلات مساکین جامعه، نقش پولداران و رشد سرمایه داری را جا به جا به انداز طنز نشان داده که از آن عدم مساوات و نابرابری جنسیتی ظاهر می شود.

## منابع

- جمال زاده، محمد علی، تصویرزن در فرهنگ ایرانی، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷
- جمال زاده، محمد علی، خاطرات، شهاب ثاقب، سخن، ۱۳۸۱
- جمال زاده، محمد علی، یکی بود و یکی نبود، نگاه پروین، ۱۳۲۰
- جمال زاده، محمد علی، بیله دیگ و بیله چغندر
- جمال زاده، محمد علی، تلخ و شیرین، انتشار سخن، تهران، ۱۳۷۹
- جمال زاده، محمد علی، دارالمجانین، طهران، ۱۳۳۳
- احمد، ظهورالدین، نیا ایرانی ادب (اردو)، المکیه العربیه، لاهور، ۲۰۰۰
- آرن پور، یحیی، از صبا تا نیما، جلد اول و دوم، تهران، زوار
- آرن پور، یحیی، از نیما تا روزگار ما، تهران، زوار
- آژند، یعقوب، ادبیات نوین ایران، تهران، امیرکبیر
- آژند، یعقوب، تجدد ادبی در دور مشروطه، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی

<sup>17</sup> دارالمجانین، جمال زاده، ص: ۱۹

- بهارلو، محمد، گزیده آثار جمال زاده، تهران، آروین، ۱۳۷۵
- پارسی نژاد، کامران، نقد و تحلیل و برگزیده داستان های جمال زاده، تهران، روزگار، ۱۳۸۵
- قاسم زاد، محمد، داستان نویسان معاصر ایران، تهران، هیرمند، ۱۳۸۳
- میرصادقی، جمال، واژه نامه هنر داستان نویسی، چاپ اول، تهران، انتشارات کتاب مهناز، ۱۳۷۷
- یاحقی، جعفر، محمد، جویبار لحظه ها (ادبیات فارسی معاصر) چاپ چهاردهم، نماد، ۱۳۹۱
- یاحقی، جعفر، محمد، چون سبوی تشنه (تاریخ ادبیات معاصر فارسی) چاپ دوم، نیل، ۱۳۷۵
- یوسفی، غلام حسین، دیداری با اهل قلم، جلد دوم، چاپ دوم، مشهد، انتشارات علمی، ۱۳۵۷
- ستاری، جلال، سیمای زن در فرهنگ ایران، نشر مرکز، ۱۳۹۵
- شیبانی، ابراهیم و زهرا افشاری، نابرابری جنسیتی و توسعه اقتصادی در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۲، بهار و تابستان، ۱۳۸۲
- دهباشی، علی، بزرگ داشت جمال زاده، دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران، ۱۷ آبان ۸۳

H. Kamshad, Modern Persian Prose Literature, Cambridge, 1966